

بررسی تطبیقی ترجمه حسن مرتضوی و محمود عبادیان از مانیفست حزب کمونیست

در توضیحی که بر لزوم ترجمه تازه ای که از مانیفست عرضه کرده ام، به اشکالات ترجمه های فارسی موجود و نیز برخی تفاوت ها و ناخوانائی های ترجمه انگلیسی مورد تایید انگلس با نسخه اصلی آلمانی اشاراتی کرده بودم. تا زمان انتشار ترجمه خودم، ترجمه مشترک آقایان حسن مرتضوی و محمود عبادیان از مانیفست برایم قابل دسترسی نبود و اخیراً نسخه ای از آن به دستم رسیده است. با مطالعه و مقابله آن با نسخه انگلیسی مانیفست، به اشکالاتی برخوردیم و حالا که تصمیم گرفته ام ترجمه خودم را از طریق اینترنت در دسترس عموم قرار دهم، فکر می کنم بیان انتقادات ام به ترجمه حسن مرتضوی - محمود عبادیان بعنوان مکمل مقدمه ای که بر ترجمه خود نوشته بودم، کار نابجائی نباشد. من نظرم را به اختصار، بدون ذکر همه موارد و تنها با آوردن نمونه هایی بیان می کنم. هرچند من در ترجمه خودم نسخه اصلی آلمانی را ملاک قرار داده و به پاره ای از عدم انطباق های ترجمه انگلیسی ساموئل مور با اصل آلمانی هم اشاره کرده ام، اما در بررسی ترجمه حسن مرتضوی و محمود عبادیان، ملاک را در درجه اول همان ترجمه انگلیسی ساموئل مور قرار داده ام که مرجع اصلی آن ها بوده است، هرچند محمود عبادیان که آلمانی می دانست، ترجمه مشترک شان را با آلمانی هم مقابله کرده است.

شهاب برهان - 25 دسامبر 2014

من این بررسی را از دو جهت می توانم دسته بندی کنم: اول، عدم انطباق واژه ها و یا مفاهیم و جملات با متن انگلیسی که مبنای کار مترجمان بوده است (و نیز گاه با متن اصلی آلمانی که با آن هم مقابله کرده اند)؛ و دوم، انتخاب مترادف های ضعیف و نارسا و نیز شکل بیانی ی نه چندان مناسب .

اول - عدم انطباق واژه ها و یا مفاهیم و جملات با متن انگلیسی (چون ترجمه مانیفست در پایان کتاب « مانیفست پس از 150 سال» آمده، شماره صفحات اش از 275 آغاز می شود) در این مقابله تنها نمونه های برجسته را انتخاب می کنم.

در ابتدای هر مورد، به ترجمه فارسی اشاره دارم و به دنبال اش به نسخه انگلیسی و در مواردی آلمانی.

- ص. 175 - عنوان ترجمه «مانیفست کمونیست» است و در نسخه انگلیسی و آلمانی «مانیفست حزب کمونیست».

- همانجا- «شبحی در حال تسخیر اروپاست». در نسخه انگلیسی A spectre is haunting Europe. haunting یعنی آمد و شد، پرسه، تردد و نه تسخیر. در متن آلمانی، umgehen است یعنی چرخ زدن، گشتن.

- همانجا- «کجاست آن حزب مخالف که دشمنان اش در مسند قدرت، [به بهانه] کمونیست بودن آن را به باد دشنام نگرفته باشند؟». نه در انگلیسی و نه در آلمانی حرفی از بهانه و از دشنام دادن به خاطر کمونیست بودن نیست بلکه کمونیست خود اش دشنام است: کجاست آن حزب اپوزیسیونی که از طرف مخالفان حکومتی اش دشنام کمونیست نخورده باشد.

- ص. 276- «کمونیست های کشورهای گوناگون» در نسخه انگلیسی Communists of various nationalities کمونیست هائی از ملیت های گوناگون است. در اصل آلمانی ملت های گوناگون است.

فصل بورژواها و پرولترها

- ص. 276- «آزاده و برده». در انگلیسی Freeman. باید آزاد و برده ترجمه می شد. "آزاده" اسم معنی است و به معنی وارستگی اخلاقی و شخصیتی است. حال آن که مانیفست دارد از موقعیت حرف می زند. آزاد، در برابر وابسته یا تحت انقیاد، بر موقعیت و وضعیت دلالت میکند. یک آزاده می تواند آزاد نباشد و در زندان و یا اسیر باشد.

- همانجا- «نوسازی» reconstruction بازسازی.

- ص. 277- «دو اردوگاه بزرگ در حال پیکار». two hostile camps. اولاً اردوگاه نیست و اردو است، مقر نیست، نیروست. ثانیاً در حال پیکار نیست، متخاصم است یا آنطور که در متن آلمانی آمده: دشمن. در حال پیکار، کنش را بیان می کند، حال آن که مانیفست به مناسبات و کیفیت رابطه، به دشمنی، به خصومت اشاره دارد.

- ص. 278- «با ایجاد موازنه در برابر اشرافیت» as a counterpoise against the nobility نه ایجاد موازنه است، نه در برابر، و نه اشرافیت بلکه: همچون وزنه مقابل علیه نجیب زادگی.

- ص. 279- «احساسات گرائی نافر هیخته» philistine sentimentalism احساسات گرائی یعنی گرایش به احساسات. نافر هیخته هم یعنی غیر نخبه. ولی فیلیستین نخبه نبودن نیست، به معنی رذالت، دنائت، حقارت، پستی و نظایر آن است. در اینجا: احساساتیگری مبتذل.

- همانجا- «آزادی های بی شمار اعطا شده و فسخ ناپذیر» indefeasible chartered freedoms آزادی های بی شمار رسمی یا ثبت شده و فسخ ناپذیر. در آلمانی: بیشمار آزادی های تحصیل و تثبیت شده.

- همانجا- «آزادی ناسنجیده» unconscionable freedom آزادی عاری از وجدان.

- همانجا- «بورژوازی هاله [قداست] تمام پیشه هائی را که تا آن هنگام گرامی شمرده می شد و با هراسی توأم با وقار به آن ها نگریسته می شد، دریده است» hitherto honoured and looked up to with reverent awe. بورژوازی هاله تقدس را از فراز سر تمام مشاغلی که تا آن زمان شریف دانسته شده و با دیده خوف حاکی از حرمت به آن ها نگریسته می شد، بر گرفت.

- ص. 280- «لشکر کشی ها». Expeditions یعنی جابجا شدن ها و نقل مکان ها؛ در آلمانی آمده Züge که من «کوچ ها» ترجمه اش کرده ام. مانیفست از جابجائی جهانی سرمایه و بورژوازی حرف می زند (استقرار در هند و آمریکا ...) و نه از لشکر کشی به مفهوم جنگی و نظامی.

- همانجا- «سوء استفاده از بازار جهانی». exploitation of the world market بهره برداری از بازار جهانی است.

- همانجا- «زراعت پیشه». peasant روستائی. روستائی فقط زراعت پیشه نیست و می تواند دامدار هم باشد.

- ص. 282- «پیوندی آزادانه با هم برقرار کرده بودند». loosely پیوندهای سست و ضعیف .

- همانجا- «سوء استفاده تمام عیار از بازارهای قدیمی تر». thorough exploitation of... بهره برداری حد اکثری از بازارهای قدیمی تر.

- ص. 284- «نابودی ابزار هائی که مانع بحران می شوند» means وسائل است و نه ابزارها. ابزار tool است.

- همانجا- «اما بورژوازی نه تنها سلاح هائی را به وجود آورد که مرگ اش را موجب می شوند، بلکه انسان هائی را هستی بخشید که این سلاح ها را به کار می برند- طبقه کارگر جدید- پرولتاریا را» it has also called to existence the men that... (در مانیفست، چه آلمانی die Männer ، چه انگلیسی the men و چه فرانسه des hommes، صراحتاً گفته شده «

مردانی را». همه مترجمین فارسی که تا به حال دیده ام به خود اجازه داده اند سند را تحریف کرده، یا کارگران، یا انسان ها چیز دیگری بنویسند!

- ص. 285- «مراقب های کارخانه/» overlooker سرکارگر و سرپرست است.

- همانجا- «رباخوار» pawnbroker گروگیر، و رهن دهنده (مرتهن) است.

- همانجا- «دستفروش ها» retired tradesman اصناف بازنشسته یا مستمری بگیر.

- ص. 287- «کوره راه های متروک» miserable متروک نیست، مفلوک و محقر.

- ص. 288- «رشد صنعت، تمامی بخش های طبقات حاکم را به سوی پرولتاریا می راند» ... entier sections of the ruling class... تمامی ی بخش هایی از طبقه حاکم.

- ص. 289- «... آن ها مرتجع هستند، زیرا می کوشند چرخ تاریخ را به عقب برگردانند. اگر برحسب تصادف انقلابی می شوند فقط از آن جهت است که در آستانه رانده شدن به صفوف پرولتاریا قرار دارند...» if by chance they are revolutionary برحسب تصادف انقلابی نمی شوند وگرنه شرط انقلابی شدن شان به دنبال این جملل شرطی نمی آمد! مانیفست می گوید: اگر بخت انقلابی شدن داشته باشند از آن روست که...

- همانجا- «" طبقه خطرناک" ارادل و اوباش اجتماعی، که با بی اعتنایی توده را فاسد می کنند و از سوی پایین ترین قشرهای جامعه کهنه دور انداخته می شوند، ممکن است تک و توک با انقلاب پرولتری به درون جنبش کشیده شوند...» «The " dangerous class", the social scum, that passively rotting mass thrown off by the lowest layers of the old society, may here and there, be swept in to the movement by a proletarian revolution.....» تفاله اجتماعی، این توده فاسد شونده در انفعال، مطرود از سوی پائین ترین لایه های جامعه کهنه، در انقلاب پرولتری شاید اینجا و آنجا به درون جنبش کشیده شود...

- ص. 290- «جنبش پرولتری جنبش خود آگاه و مستقل اکثریتی عظیم و به سود این اکثریت است» در انگلیسی و آلمانی: اکثریت عظیم و به سود اکثریت عظیم است و "این" وجود ندارد.

- ص. 291- « هر چند درون مایه پیکار پرولتاریا با بورژوازی ملی نیست، اما در آغاز از نظر شکل ملی است » Though not in substance, yet in form, the struggle of proletariat with bourgeoisie is at first a national struggle. مضمون، اما در شکل، در وهله اول ملی است. گفتن " در آغاز " به این معنی می شود که هنگامی که این مبارزه شروع می شود جنبه بین المللی ندارد و فقط ملی است و دیرتر و در گام های بعدی است که می شود بین المللی. اما " در وهله اول " به این معنی است که وجه مقدم و بیواسطه این پیکار، در داخل کشور و متوجه بورژوازی خودی است، هر چند که در همان زمان وجه بین المللی هم دارد.
- همانجا - « پیشرفت صنعت، که بورژوازی باطنی اجباری آن است... » involuntary prompter رواج دهنده غیر ارادی آن است... در آلمانی: ... که حامل بی اختیار و بدون مقاومت آن است...

فصل پرولترها و کمونیست ها

- ص. 291- « مناسبات کمونیست ها و مجموع کارگران چگونه است؟ » to the proletarians as a whole بعنوان یک کل. در آلمانی: با کارگران بطور کلی. "کل"، ناظر بر مفهوم طبقه است ولی "مجموع" ناظر بر جمع عددی است.
- همانجا- « در مقابل سایر احزاب کارگری » working class parties در مقابل سایر احزاب طبقه کارگر.
- ص. 292- « نتایج نظری کمونیست ها.... این نتایج... » احکام نظری کمونیست ها...
- ص. 293- « فعالیت یکپارچه تمام اعضای جامعه »... the united action of ... فعالیت متحد. فرق یکپارچه با متحد زیاد است. متحد، متضمن تعدد است، ولی یکپارچه، تک واحد است.
- ص. 295-296- « ... کمونیسم این قدرت را از هر کس سلب می کند که با تملک این محصولات، کار دیگران را از آن خود کند... » to subjugate the labour of others.... کار دیگران را تحت اختیار خود بگیرد.
- ص. 297- « ما به این گناه خود اعتراف می کنیم » crime ما به این جرم خود
- ص. 150- « ... می خواهند میهن و ملت را بر اندازند » countries and nationality میهن و ملیت را ...
- ص. 302- « شورشیان و تمام کسانی که کشور را ترک کرده اند » emigrants and rebels مهاجران و یاغیان.

فصل ادبیات سوسیالیستی و کمونیستی

- ص. 303- «برای جلب همدردی [دیگران] ...» in order to rally the people to them برای جلب مردم به سوی خود.
- همانجا- «انبان دریوزگی» alms-bag کشکول گدائی (انبان، مشک پوستی برای آب و روغن است).
- ص. 304- «اقدامات قهر آمیز» coercive measures تمهیدات زورگویانه.
- ص. 305- «حسرت خواری» heart-burning سوز دل، خشم از حسد.
- همانجا- «این دو طبقه پشت به پشت بورژوازی بالنده زندگی گیاهی دارند» still vegetate side by side with the rising bourgeoisie این دو طبقه هنوز پهلو به پهلو بورژوازی بالنده در حال رویش اند.
- ص. 306- «...تمام اثرات سرمست کننده خودفریبی را زائل ساخته بود، این شکل از سوسیالیسم به افسردگی عم انگیزی منتهی شد» had dispersed all intoxicating effects of self-deceptions, this forme of Socialisme ended in a miserable fit of the blues. تمام نشئه ی خودفریبی را زایل کردند، این شکل از سوسیالیسم به خماری رقت انگیزی منتهی شد.
- ص. 307- «تصاحب ایده های فرانسوی» annexation منضم کردن؛ فرا گرفتن.
- همانجا- «زبانی بیگانه از آن خود می شود» a foreign language is appropriated زبانی بیگانه فرا گرفته می شود.
- همانجا- «در بالای صفحات ...» over بر روی صفحات.
- ص. 308- «آثار کافر کیش فرانسوی» the profan french literature آثار کفرآلود فرانسوی (کیش مال آدمی است).
- همانجا- «قلب ماهیت شد» emasculated عقیم شد.

- همانجا- «*نظروزی*» speculative خیال پردازانه.
 - همانجا- «*سروشک*» dew ژاله، شبنم. (سروشک، قطره و اشک است).
 - همانجا- «*نافرهیختگان* خرده بورژوازی» petty-bourgeois philistine خرده بورژوازی
فرومایه. در آلمانی: فرو مایه، پست، رذیل.
 - همانجا- «*بی اعتنائی فاقد تعصب*» impartial بیطرفی.
 - ص. 311- «*بورژوازی جهانی را که در آن سرآمد است بهترین جهان ممکن می پندارد*». The bourgeoisie naturally conceives the world in which it is supreme to be the best...
بورژوازی طبعا گمان می کند دنیائی که در آن سلطه دارد بهترین دنیاست.
 - همانجا- «*... فقط زمانی بیان در خوری می یابد که به استعاره محض تبدیل شود*». Bourgeois Socialism attains adequate expression when, it becomes a mere figure of speech...
فقط زمانی به ابراز کامل منظور اش نائل می شود که به لفاظی محض تبدیل شود.
 - ص. 313- «*خود را در [جایگاهی] بس والایتر از تمام مبارزات طبقاتی بیندارند*» خود را بسیار
مافوق همه تضادهای طبقاتی بیندارند.
 - ص. 314- «*منع کار برای افراد خصوصی*». abolition of the carrying of industries for the account of private individuals
آلمانی: الغای ثروت اندوزی خصوصی. در
- فصل موضع کمونیست ها نسبت به احزاب گوناگون کنونی اپوزیسیون
- ص. 316- «*اما در جنبش کنونی فردای جنبش را نیز نمایندگی می کنند و مسئولیت آن را بر دوش دارند*». they also represent and take care of the future of the mouvement.
جنبش را نیز نمایندگی می کنند و به آن توجه دارند.
 - ص. 317- «*کمونیست ها از پنهان کردن نظرات و اهداف خود بیزار هستند*» disdain عار دارند.
در آلمانی: ابا دارند.
 - همانجا- «*سرنگونی قهر آمیز*» forcible overthrow سرنگونی به زور.

دوم - انتخاب مترادف های ضعیف و نارسا و نیز شکل بیانی ی نه چندان مناسب .

در اینجا هم تنها به ذکر نمونه هائی بسنده می کنم و گرنه همه متن را باید نقل کنم.

پاره ای از واژه هائی که مترجمین انتخاب کرده اند شاید در مقایسه با متن انگلیسی غلط نباشند اما واژه های مناسب و رسائی نیستند و مترادف های بهتری برایشان در اختیار است. نمونه ها:

- ص. 279- «نمایش ددمنشانه زور در قرون وسطا» brutal display of vigour نمایش خشونتبار قدرت...

- همانجا- «تن آساترین تنبلی ها» the most slothful indolence راحت طلبی های بس کاهلانه.

- ص. 281- «تولیدات فکری» Intellectual productions تولیدات معنوی (در برابر تولیدات مادی).

- همانجا- «نفرت به شدت لجوجانه بربرها ها از بیگانگان» بیگانه ستیزی سرسختانه بربرها.

- همانجا- «جهانی مطابق نقش خویش می آفریند» it creates a world after its own image مطابق الگوی خود.

- همانجا- «تسطیح سراسر قاره ها برای زراعت» clearing of whole countries for cultivations در فارسی، قابل کشت کردن مصطلح است.

- ص. 283- «بحران های تجاری هستی سراسر جامعه بورژوائی را در معرض داوری قرار می دهد» در فارسی گفته می شود: زیر سوال می برد.

- ص. 283- «بیماری همه گیر اضافه تولید» درست است که در اصل آلمانی و ترجمه های انگلیسی و فرانسه از اصطلاح epidemic استفاده شده و معادل تحت اللفظی اش بیماری همه گیر است، اما منظور این نیست که همه دچار مازاد تولید می شوند بلکه منظور، بلائی است که دامنگیر جامعه می شود و همین منظور را باید در ترجمه بیان کرد: بلائی اجتماعی، بلای مازاد تولید.

- ص. 284- «طبقه ای از رنجبران که تا زمانی زنده هستند که...» labourers کارگران یا زحمتکشان.

- ص. 285- « این استبداد... به همان اندازه تنگ چشم تر، منفورتر و ناگوارتر می شود» petty... hateful... and... embittering به همان اندازه رذل تر، نفرت انگیزتر و تلخ تر می شود.
- همانجا- « سوداگرهای خرد، کاسب کارها» the small tradespeople, shokeepers کسبه خرد، دکاندارها.
- همانجا- «... از همه طبقات جمعیت، نیروهای انسانی تازه ای به صفوف پرولتاریا می پیوندند» the proletariat is recruited from all class of the population. جمعیت نیرو می گیرد (در آلمانی: سرپازگیری می کند).
- ص. 290- « پرولتاریا که پائین ترین لایه جامعه کنونی ماست نمی تواند از جا برخیزد سر برافرازد بی آن که سراسر لایه های فوقانی جامعه رسمی نابود شوند» without the whole superincumbent strata of official society being sprung into the air. در نسخه اصلی، نه "نابود شدن" بلکه "به هوا پرتاب شدن" است و همین تفاوت، تصویری از جامعه می دهد مثل یک ساختمان چند طبقه که پرولتاریا همچون گولی در زیر زمین آن بر زانو خمیده است و نمی تواند قد راست کند و برخیزد بی آن که همه طبقات بالای ساختمان به هوا پرتاب شوند.
- ص. 299- « طبقه پیشتاز ملت» the leading class طبقه هدایت کننده... پیشتاز الزاماً رهبر نیست.
- ص. 308- « اعصاب خراب کن» enervating خشم انگیز.
- ص. 310- «جامه متعالی» transcendental جامه فاخر، با شکوه.